



مدل جایگاه هرمنوتیک در ادراک رویدادهای جامعه معاصر ایران

(مطالعه موردی رویداد ششم بهمن شهر آمل ۱۳۶۰)

جواد حق‌گو^۱

چکیده:

با فهم رویدادهای تاریخی از پیچیدگی‌های خاصی برخوردار است. این رخدادها پس از وقوع با خوانش‌های متفاوتی روبه‌رو می‌شوند. تفاوتی که نه فقط در لایه چرایی و چگونگی؛ بلکه در بسیاری از مصادیق در لایه چستی نیز رُخنمایی می‌کند. به دلیل همین ویژگی خاص است که برخی از مورخین و پژوهشگران تاریخ همواره در پی کشیدن پُلی از دانش‌های دیگر بوده‌اند تا بتوانند این ضعف را تا حدی التیام بخشند. در این میان رویکردهای فلسفی در نمودهای مختلف به کمک علاقمندان تاریخ آمده است. در میان رویدادهای متکثر جامعه معاصر ایران، واقعه رُخ داده در ششم بهمن سال ۱۳۶۰ شهر آمل را باید یکی از رویدادهای مهم تاریخ انقلاب به شمار آورد که از قضا دقیقاً در سطح «چیستی» با توصیف‌های مختلفی روایت شده است. این رخداد از همان آغاز به صورت‌های مختلفی روایت شد. نگاه غالب که عمدتاً توسط جمهوری اسلامی طرفداری شده این رخداد را یک حماسه مردمی می‌داند. در سوی دیگر اما مخالفین که طیف متنوعی از جریان‌های سیاسی مارکسیست، سلطنت‌طلب، لیبرال و ... را شامل می‌شود، بر این نظرند که این رویداد قیامی ملی برای مقابله با جمهوری اسلامی ایران بوده است. در این پژوهش تلاش شده تا با بهره‌مندی از آموزه‌های هرمنوتیک (در کلیت آن) با تبیین دقیق دو واژه «حماسه» و «قیام» و در ادامه تطبیق این واژه‌ها به زمینه‌ها و متن رویداد به راستی‌آزمایی هر کدام از این نگرش‌ها بپردازیم. نظر به اینکه عمده پژوهش‌های موجود درباره متن رویداد با عینکی سیاسی صورت پذیرفته عمده تمرکز این پژوهش بر زمینه‌های رویداد مذکور است. به رغم سابقه فعالیت چپ‌ها در شمال ایران تدقیق در زمینه‌های رویداد روایت قیام‌گونه این رخداد را رد می‌کند. در سوی دیگر روایت حماسه‌گونه این حرکت به دلایل مختلف از اعتبار و روایی بیشتری برخوردار است. بر اساس یافته‌های پژوهش از متن رخداد که طبیعتاً دستخوش روایت‌های متکثر رسمی و غیررسمی شده، موضوعاتی چون «جایگاه نامساعد حرکت‌های چپ در میان مردم مازندران و آمل در آن بازه زمانی»، «درگیری تمام‌عیار کشور در جنگ تحمیلی»، «جایگاه مطلوب امام به عنوان رهبر جمهوری اسلامی در میان مردم استان مازندران و شهر آمل»، در زمینه رُخداد یاد شده امکان صحت روایت حماسه‌گونه از این رویداد را تقویت می‌کند.

واژگان اصلی: جامعه معاصر ایران، واقعه ششم بهمن ۱۳۶۰ آمل، تاریخ انقلاب اسلامی، حماسه، قیام، هرمنوتیک.

۱. مقدمه

جامعه معاصر ایران چه در دوران قبل از انقلاب اسلامی و چه در دوران پس از آن شاهد رویدادهای متکثری بوده که برخی از آنها به دلیل رُخ‌نمایی توصیف‌های متعدد که گاه در قالب روایت‌های رسمی دولت جمهوری اسلامی ایران و گاه در قالب‌های دیگر توصیف شده با ابهامات فراوانی درباره چیستی، چگونگی و چرایی مواجه است. واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ شهر آمل یکی از شناخته‌شده‌ترین مصادیق این موضوع به شمار می‌آید. رُخدادی که مصداق بارز رویدادی سه-سطحی بوده و اگرچه در جغرافیای ایران و در استان مازندران و شهر آمل به وقوع پیوست متها به جهات مختلف و به ویژه از منظر سیاسی-ایدئولوژیک این واقعه دو بُعد منطقه‌ای و بین‌المللی را هم با خود به همراه داشته است. همین ویژگی اهمیت پرداختن به این موضوع را دوچندان می‌سازد.

از روزهای پیروزی انقلاب اسلامی در بهمن ۱۳۵۷ که بگذریم، واقعه ۱۳ آبان ۱۳۵۸ و تسخیر سفارت ایالات متحده در تهران باعث شد بسیاری از پیامدهای برخاسته از انقلاب اسلامی با رنگ و بویی متفاوت رُخ‌نمایی کند. چند ماه بعد از استعفای دولت موقت و پس از برگزاری رفراندوم قانون اساسی جمهوری اسلامی در یازدهم و دوازدهم آذر ۱۳۵۸، بنی‌صدر به‌عنوان اولین رئیس‌جمهور منتخب مردم برگزیده شد. سیاستمداری که به‌رغم برخی تفاوت‌ها با نیروهای چپ با این حال مورد حمایت فدائیان خلق (منافقین) قرار گرفت. پس از عزل بنی‌صدر و اتفاقات خرداد سال ۱۳۶۰ فضای داخلی کشور وارد یک شرایط متفاوت و جدید شد. پس از این واقعه بود که اتحادیه کمونیست‌های ایران و منافقین اعلام مبارزه مسلحانه علیه نظام به‌عنوان «جبهه سوم» کردند. رویدادی که همزمان با شرایط جنگی کشور و تجاوز عراق رنگ و بوی خاصی پیدا کرد و با تمرکز بر اختلافات و فتنه‌انگیزی‌های داخلی حرکت‌های گریزازمرکز زیادی را در نقاط مختلف کشور چند قومی و متکثر ایران ایجاد نمود. در همین راستا بود که شمال ایران و شهر آمل برای شروع قیام مسلحانه انتخاب شد و کارگردانان این حرکت با در نظر گرفتن عناصر مختلفی چون «احتمال بالای جذب کمک شوروی به عنوان همسایه شمالی ایران»، «نزدیک بودن این منطقه به پایتخت ایران و احتمالی بالای تسری این حرکت به دیگر مناطق و ملت‌ها»، «احتمال زیاد پشتیبانی مردم دهقان این مناطق از حرکت چپ‌ها» و نیز «استعداد عامل ژئوپلیتیکی منطقه و وجود دره‌هایی با شیب تند که از جنگل‌های انبوه و رودخانه پر آب هراز به‌عنوان دژی محکم جهت استتار و مقابله با نیروهای نظامی استفاده کنند»، این منطقه را برای آغاز حرکت مسلحانه خود انتخاب کردند. حرکتی که اخبار آن برای چند روز به تیر اول روزنامه‌ها و رسانه‌های ایران و حتی جهان تبدیل شد و پس از پایان نیز درباره

چیستی این رخداد روایت‌های مختلفی مطرح شد. روایت‌های متفاوتی که گاه حتی در تضاد آشکار با یکدیگر مطرح می‌شوند.

از همان آغازین روزهای شروع این حرکت طرف‌های درگیر روایت‌های خاص خود و بعضاً متعارضی درباره کلیت این رویداد مطرح نمودند. نهادهای رسمی با روایتی حماسه‌گونه کلیت این رویداد را اتفاقی در تداوم انقلاب اسلامی و پالایش عناصر ضدانقلاب توسط مردم دانسته و با اشاره به اهداف و نیت ضدانقلابی چپ‌ها بر این نظرند که مردم منطقه در اقدامی حماسی در برابر این حرکت غیرمردمی ایستادند و نهایتاً بساط آن را هم برچیدند. در سوی دیگر اما روایت چپ‌ها و برخی دیگر از نیروهای اپوزوسیون جمهوری اسلامی با روایتی قیام‌گونه از کلیت این رویداد از ابتدا تا به انتها برآنند که این حرکت تماماً قیامی مردمی بوده که توسط کلیت مردم آن منطقه و در راستای مبارزه با نظام سیاسی حاکم شکل گرفته و اساساً نمی‌توان آن را به یک جریان و نیروی خاص سیاسی فعال در فضای سیاسی آن روز جامعه ایران تقلیل داد. بر اساس همین روایت‌های متکثر متعارض هرکدام از طرف‌های درگیر در این منازعه محتوای خود را بر مبنای «حماسه» و «قیام» شکل داده‌اند. بر همین مبنا سؤال اصلی این پژوهش این است که ماهیت این رویداد چه بوده است؟

نظر به اهمیت بررسی عالمانه رویدادهای تاریخی و فهم دقیق چیستی این رویدادها در این مقاله تلاش شده تا با بهره‌مندی از آموزه‌های هرمنوتیک به فهم دقیق چیستی این رویداد پرداخته شود. نظر به اینکه ادراک هدف، قصد و نیت واقعی مردم از مشارکت در این رویداد در فهم چیستی این رویداد بسیار کارگشا است در این مقاله تلاش شده تا با تمرکز بر روی متن و به طور خاص زمینه‌های وقوع این رویداد به فهم بیناذهنی در اجتماع مردم آمل در آن بازه زمانی نزدیک شده و نهایتاً هویت این رویداد را به عنوان حرکتی ضد جمهوری اسلامی یا حرکتی همراه با جمهوری اسلامی ادراک نماییم. بدین منظور مدعای اولیه پژوهش بدین قرار است:

مدعای اولیه: بررسی متن و زمینه رویدادهای سال ۱۳۶۰ آمل عموماً و رُخدادهای پنجم و ششم بهمن همان سال این شهر حکایت از آن دارد که ماهیت این حرکت را باید اقدامی مردمی و در تداوم حرکت انقلابی مردم ایران به شمار آورد که توسط نیروهای دولتی و مردمی داوطلب و با هدف تثبیت جایگاه جمهوری اسلامی ایران به سرانجام رسید.

۲. پیشینه پژوهش

بررسی پیشینه پژوهشی این بحث حکایت از آن دارد که منابع چندان متنوع و زیادی درباره این رویداد به رشته تحریر درنیامده است. با این حال برخی منابع به این موضوع پرداخته‌اند. البته واقعیت آن است که با توجه به زاویه دید کاملاً متفاوت حاکم بر این آثار باید هر دو نگاه اصلی درباره چیستی این رویداد مورد بررسی قرار گیرد. در ادامه تلاش شده تا از همین منظر برخی از آثار پژوهشی موجود مورد بررسی قرار گیرد.

کتاب ۲۱۸ صفحه‌ای «اسناد اتحادیه کمونیست‌های ایران در واقعه آمل» تدوین علی کردی (۱۳۸۶)، یکی از این منابع است. این کتاب در چهار بخش نگاه شده است. بخش اول کتاب که در سه فصل تنظیم شده وضعیت اتحادیه کمونیست‌ها از ابتدا تا پیروزی انقلاب اسلامی را واکاویده است. تمرکز بر روی خط مشی چریکی و نیز نشریات اتحادیه از جمله مباحث مطرح شده در این بخش از کتاب است. بخش دوم کتاب به دوران بعد از انقلاب اسلامی و فعالیت‌های اتحادیه کمونیست‌ها در این مقطع زمانی پرداخته است. بررسی شورای اول تا چهارم و نیز استقرار در جنگل و تسخیر شهر آمل در واقعه ۶ بهمن سال ۱۳۶۰ و نیز بررسی ارتباط این اتحادیه با کشورهای خارجی از جمله موضوعات بررسی شده در این بخش از کتاب است. بخش سوم کتاب با عنوان «مواضع و محاکمه» به بررسی مواضع اتحادیه در قبال برخی از موضوعات سیاسی کشور نظیر مجلس خبرگان، دولت موقت، ریاست جمهوری بنی‌صدر و... پرداخته است. در این بخش نظرات فرید سریع‌القلم به صورت خاص درباره جمهوری اسلامی واکاویده شده است. بخش چهارم کتاب هم به انتشار اسناد و منابع پرداخته است. همانطور که پیداست این اثر به‌رغم اشاره به واقعه ششم بهمن آمل درباره چیستی این رویداد صحبتی به میان نیاورده و حماسه بودن آن را مفروض گرفته است. با این حال این کتاب یکی از منابع این پژوهش است.

«پرنده نو پرواز» که گفتگویی با یکی از شرکت‌کنندگان در مبارزه مسلحانه بهمن ۱۳۶۰ است و توسط حزب کمونیست ایران در سال ۱۳۸۳ منتشر شده نیز دیگر اثری است که از زاویه‌ای متفاوت به وقایع ششم بهمن سال ۱۳۶۰ پرداخته است. این کتاب که از دل گفتگو با یکی از مشارکت‌کنندگان در مبارزه مسلحانه آمل بیرون آمده با تأکید بر «قیام» بودن رویداد مطروحه از زاویه کمونیست‌ها به بازنمایی این رویداد پرداخته است. این کتاب ۳۵۲ صفحه‌ای که در سال ۱۳۸۳ و در آلمان منتشر شده در سه فصل مباحث خود را تنظیم نموده است. در فصل اول به آغاز نبرد و روایت آنچه در این چند

روز اتفاق افتاد پرداخته شده است. فصل دوم کتاب اسناد و ضمائم تاریخی نظیر اعلامیه‌ها و مقالات تحلیلی اتحادیه کمونیست‌های ایران را مرور کرده است. بیانیه‌های سیاسی و اطلاعیه‌های نظامی سربداران در این فصل به صورت مبسوط منعکس شده است. فصل سوم به زندگینامه و تصاویر برخی افراد فعال در این مبارزه و نیز لیست اسامی جانب‌اختگان اتحادیه کمونیست اشاره شده است. البته در انتها آلبوم عکسی از افراد و رویدادهای این واقعه هم وجود دارد. این اثر هم این رویداد را به مثابه یک «قیام ملی» مفروض گرفته و درباره چیرستی آن بحثی به میان نیاورده است. بدیهی است که به فراخور بحث این اثر هم می‌تواند یکی از منابع این تحقیق باشد.

کتاب تاریخ شفاهی «فئات تا قنوت» سمیه بدخشان فرح آبادی (۱۳۹۴) روایت قدرت‌الله سورکی آزاد از فرماندهان جبهه مقابله با جریان‌های ضد انقلاب در جنگل‌های شمال، کتاب «شهر هزار سنگر: روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل» تالیف سیمین رهگذر (۱۳۸۵)، کتاب «شمشادهای رشید» یادنامه شهدای ششم بهمن آمل اثر سید محمد هاشمی (۱۳۹۰)، کتاب «مائوئیسم و بازتاب آن در ایران» نوشته فرج‌الله میزانی (۱۳۹۵)، مجموعه مقالات همایش ملی جبهه سوم (۱۳۹۱)، و مقالات «از شورش تا واکنش؛ واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل به روایتی دیگر» نوشته امین عزیز (۱۳۹۳)، «بررسی ماهیت و عملکرد اتحادیه کمونیست‌های ایران و واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل» نوشته حسین رفیع (۱۳۹۱)، دیگر منابعی است که این موضوع را مورد بررسی قرار داده است. واقعیت آن است در این منابع طرفین منازعه هرکدام با مفروض گرفتن «حماسه مردمی» و یا «قیام مردمی» به روایت خاص خود از کلیت رویداد پرداخته و هیچکدام از این آثار بر روی درستی یا نادرستی مفروض خود کنکاش و منازعه‌ای نداشته‌اند. موضوعی که مساله اصلی این نوشتار را تشکیل داده است.

۳. مبانی نظری

مبانی نظری هر پژوهش از دو بخش چارچوب مفهومی و چارچوب نظری تشکیل می‌شود. البته در یک معنای موسع چارچوب نظری و نظریه می‌تواند دربرگیرنده نوع روش‌شناسی پژوهش هم باشد. در این پژوهش هرمنوتیک هم به مثابه یک رهیافت نظری و هم به مثابه یکی از پارادایم‌های اصلی

حاکم بر پژوهش‌های اجتماعی و هم به مثابه یک روش تحقیق کیفی مورد استفاده قرار گرفته است.

۳-۱. چارچوب مفهومی

در این مقاله با چند مفهوم اصلی سر و کار داریم. «جامعه معاصر ایران»، «واقعه ششم بهمن ۱۳۶۰ آمل»، «حماسه» و «قیام» مفاهیم اصلی این پژوهش را تشکیل داده‌اند. در ادامه به بررسی مختصر هر کدام از این مفاهیم پرداخته شده و تعریف مختار نگارنده درباره این مفاهیم مطرح شده است.

۳-۱-۱. جامعه معاصر ایران

باید توجه داشت که اگرچه این مقاله بر روی رویداد رخ داده در ششم بهمن سال ۱۳۶۰ در شهر آمل به عنوان یکی از وقایع مهم تاریخ انقلاب اسلامی متمرکز شده اما مقصود نگارنده از جامعه معاصر ایران، دوران بعد از نهضت مشروطه ایران تا به امروز را در برمی‌گیرد.

۳-۱-۲. واقعه ششم بهمن ۱۳۶۰ آمل

اگرچه ادراک این واقعه تنها با تمرکز بر رویدادهای روز ششم بهمن حاصل نمی‌شود و فهم آن با تمرکز بر رویدادهای پیشین بهتر حاصل خواهد شد، اما این تاریخ به عنوان زمان ختم غائله از اهمیت زیادی برخوردار است. اصل این رویداد به درگیری و نبرد مسلحانه ده‌ها فرد مسلح مارکسیست که با نام «اتحادیه کمونیست‌های ایران» یا به تعبیری دیگر «سربداران» علیه نظام جمهوری اسلامی ایران به منظور برپاکردن یک انقلاب دیگر اشاره دارد. اتفاقی که در شهر و جنگل‌های اطراف آمل رخ داد. اگرچه درگیری‌های میان این گروه با نیروهای جمهوری اسلامی از مدت‌ها قبل و به صورت پراکنده شروع شده بود متها از روزهای پنجم و ششم بهمن ۱۳۶۰ این نبرد مسلحانه اوج گرفت. این نبرد طرف‌های مختلف مردمی و دولتی را با خود به همراه داشت و نهایتاً در ششم بهمن غائله ختم شد. به‌رغم اینکه ریشه‌های این رویداد به ماه‌ها قبل (شروع از هجدهم آبان ۱۳۶۰) بازمی‌گشت متها مقصود اصلی در این پژوهش روزهای پنجم و ششم بهمن سال ۱۳۶۰ را در برمی‌گیرد.

۳-۱-۳. حماسه

درباره واژه حماسه هم به مانند بسیاری دیگر از مفاهیم با تکثر تعارف مواجه‌ایم. حماسه در لغت به کسر ح در فرهنگ‌های فارسی مختلف نظیر دهخدا و خرد به «دلیری و رجز» معنا شده است. (سعیدی پور، ۱۳۶۰: ۲۴۸) در اصطلاح هم مقصود حرکتی است که از درون مردم آغاز شده و

¹ Qualitative research methods

هدفش برجیدن بساط ظلم و ستم است. این مفهوم به عنوان یک معنای مقدس ناظر بر حرکتی است که حتما عناصر مردمی دارد و در تقابل با اقدامات شروانه است.

۴-۱-۳. قیام

قیام در فرهنگ‌های فارسی مختلف نظیر دهخدا و خرد به «برپاخاستن و ایستادن» معنا شده است. (سعیدی‌پور، ۱۳۶۰: ۶۷۱) این واژه هم به مانند واژه حماسه معنای مقدس و مثبتی دارد. در قیام هم عنصر مردمی بخش اصلی حرکت است و تفاوتش با حماس و وجه مخالفی است که مردم با نیروی سیاسی حاکم دارند. به عبارت دیگر در قیام عمدتاً مقصود آن است که نیروهای مردمی در تقابل با نظام سیاسی به دنبال برقراری نظامی عادلانه‌تر هستند. برخی قیام را مقدمه انقلاب می‌دانند. همانطور که درباره قیام ۱۵ خرداد سال ۱۳۴۲ گفته شده است.

۲-۳. نظریه و روش‌شناسی

علم تاویل یا هرمنوتیک به دنبال کشف پیام‌ها و معانی یک متن در معنای عام است. پرواضح است که یک متن می‌تواند یک نوشته نظیر بیوگرافی شخصی یا فرمان یک پادشاه؛ یک اثر هنری نظیر یک تابلوی نقاشی یا فیلم سینمایی یا یک رمان؛ و یا هر رویداد یا پدیده‌ای باشد که بتواند، پیامی را از مبدا «الف» به مقصد «ب» برساند، باشد. از لحاظ روش‌شناسی^۱، روش تاویل یا هرمنوتیک در برابر تجربه‌گرایی^۲، مکانیک‌گرایی^۳، طبیعت‌گرایی^۴ و به ویژه اثبات‌گرایی^۵ و حتی رفتارگرایی^۶ قرار دارد و در مقابل نظریه وحدت روش در علوم (طبیعی و انسانی) به تمایز روش در علوم معتقد است. (قنبری، ۱۳۷۷: ۱۸۵) بر اساس این آموزه نظری تفسیر امری اجتناب‌ناپذیر برای درک معنا است. پل ریکور^۷ هرمنوتیک را فن تشریح و توضیح نمادها به خصوص نمادهایی که معنی صریحی دارند، می‌داند. (حریری، ۱۳۷۵: ۶؛ قنبری، ۱۳۷۷: ۱۸۴) ریکور در مقاله «رسالت هرمنوتیک» بر این

¹ Hermeneutics

² Methodology

³ Empiricism

⁴ Mechanicism

⁵ Naturalism

⁶ Positivism

⁷ Behaviorism

⁸ Paul Ricœur

نظر است که هرمنوتیک را باید نظریه «عمل فهم» در جریان روابطش با تفسیر متون به شمار آورد. (کوزنزهوی، ۱۳۷۷: ۹)

دیدن یک فیلم یا یک تابلوی نقاشی، خواندن یک رمان یا یک داستان کوتاه، یا شنیدن یک موسیقی یا یک متن سخنرانی غیر از فهمیدن و ادراک آن متن است. یکی از بهترین مصادیق ادبی در این رابطه این بیت از شعر سعدی شیرازی است:

هرگز وجود حاضر غایب شنیده‌ای؟

من در میان جمع و دلم جای دیگر است

برای بسیاری از افراد پیش می‌آید که در جمعی حاضر باشند سخنی را هم بشنوند ولی آن را نفهمند. البته خود همین عدم ادراک قطعاً مراتبی دارد. با این حال در بالاترین مراحل تمرکز و دقت شنونده یا خواننده و بیننده باز هم ممکن است فهم حاصل نشود. اتفاقی که با عمل تفسیر و تاویل شاید بتواند تا حدودی (فقط تا حدودی) رُخ دهد. فریدریش شلایرماخر^۱ و ویلهلم دیلتای^۲ دو تن از اندیشمندان قرن نوزدهم که نامشان با هرمنوتیک پیوند خورده بر این نظر بودند که یک معنای غایی و یک فهم نهایی از متن وجود دارد و این وظیفه مفسر است که با شناخت آن متن و زمینه‌هایش به «معنای غایی» دست یابد. دیلتای همچنین معتقد بود که برای فهم بهتر متن، باید به نیت مؤلف پی برد و دانست که او متن مورد نظر خود را به چه منظور و با چه هدفی آفریده است. (احمدی، ۱۴۰۰: ۵۳۵)

پُر واضح است که ایراد این دیدگاه این است که دست‌یابی به قصد و نیت مؤلف، به جهت بعد زمان و مکان، معمولاً میسر نخواهد شد.^۳

ریشه لغوی هرمنوتیک به هرمس^۴ بازمی‌گردد. هرمس که وظیفه پیامرسانی دارد برای انسان‌ها

¹ Friedrich Schleiermacher

² Wilhelm Dilthey

^۳ زمانی که صحبت از «مرگ مولف» می‌شود این موضوع از پیچیدگی بیشتری هم برخوردار می‌شود. بنا به تعبیر رولان بارت نویسنده مقاله معروف "مرگ مولف" در سال ۱۹۶۷، اختصاص دادن یک نویسنده به یک نوشته و دادن یک تفسیر منفرد، مطابق و معادل با آن در واقع تحمیل محدودیت به آن نوشته است. به این ترتیب، خواننده باید نوشته را از خالق آن جدا در نظر بگیرد تا بتواند نوشته را از استبداد تفسیری (interpretive tyranny) آزاد سازد. موضوع بسیار مهمی که می‌تواند نگرش‌های تفسیری را با چالشی اساسی مواجه سازد. چالش‌هایی که البته در این پژوهش مورد نظر نیست.

⁴ Hermes

نوعی آگاهی از پیرامونشان می‌سازد. وظیفه او برقراری پیوند میان دنیای نهان و آشکار است. (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۹۰۸) در ادامه همین معنا از هرمنوتیک در قرن بیستم هایدگر و گادامر «فهم» را نوعی «وجود» برشمردند.

هرمنوتیک با پذیرش تفاوت بنیادین دنیای طبیعی با دنیای اجتماعی، نقش مهم ارزش‌ها در فهم پدیده‌های اجتماعی، زمینه‌مندی پدیده‌های اجتماعی و به تبع متغیر بودن ادراک و نظایر آن توجه همزمان به کلیت متن (ظاهر و باطن) و نیز زمینه متن را یادآوری می‌کند. دایره هرمنوتیک یا حلقه تاویل یکی از موضوعات بسیار مهم در این رابطه است. بر اساس آموزه‌های هرمنوتیک شناخت کلیت یک پدیده بدون توجه به زمینه و مجموعه تمام عناصر موثر بر شکل‌دهی آن رویداد میسر نمی‌شود. از طرف دیگر فهم اجزا به صورت انفرادی نیز بدون توجه به کلیت آن قابل دسترس نخواهد بود. در این معنا فهم یک جمله در یک رمان زمانی حاصل می‌شود که کلیت رمان فهم شده باشد و در طرف مقابل فهم کلیت رمان هم در گروی فهم تک تک جملات آن رمان خواهد بود. البته باید توجه شود که علاوه بر دور هرمنوتیکی باید هر پدیده را در مجموعه وسیعی که با امتداد تاریخی آن مرتبط است، ادراک نمود. از این دیدگاه توالی پدیده موردنظر به صورت پیوستار از گذشته تا زمان حال باید مدنظر قرار گیرد.

۴. بررسی تحلیلی متن و زمینه رویداد

همانطور که اشاره شده هرمنوتیک با پذیرش تفاوت جهان طبیعی با جهان اجتماعی بر نقش بنیادین ارزش‌ها در فهم پدیده‌های اجتماعی و به تبع همین موضوع زمینه‌مندی پدیده‌های اجتماعی تأکید دارد. بر همین مبنا توجه همزمان بر متن و زمینه رویداد ششم بهمن آمل سال ۱۳۶۰ امری ضروری است. در این بخش از مقاله تلاش شده تا اولاً متن این واقعه مورد بررسی قرار گیرد و در ادامه به زمینه‌های آن پرداخته شده است. همانطور که در بخش چارچوب مفهومی هم اشاره شد، متن این رویداد تحولات روزهای پنجم و ششم سال ۱۳۶۰ را در خود جای داده است.

۴-۱. بررسی متن رویداد

واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ شهر آمل یکی از مهمترین رخدادهای سیاسی پس از پیروزی انقلاب اسلامی است که در تحقق آن اتحادیه کمونیست‌ها نقش اصلی را ایفا نمودند. خاستگاه اصلی این اتحادیه در خارج از کشور و به ویژه ایالات متحده آمریکا بود و پس از طی یک دوره مبارزه سیاسی-فرهنگی بسیار محدود در سال ۱۳۵۵، از ادغام دو گروه «سازمان انقلابیون کمونیست» و

گروه «بویا» تشکیل شد. دانشجویان عضو اتحادیه کمونیست‌ها که در خارج از کشور مقیم بودند، غالباً خاستگاه طبقاتی ویژه‌ای داشتند و متعلق به طبقه مرفه ایران بودند. غرق شدن در توهّمات کمونیستی و دور شدن از شرایط عینی جامعه ایران، بر بی‌خبری آنها افزود؛ به گونه‌ای که در حرکت انقلابی و اسلامی ملت مسلمان ایران در سال ۱۳۵۷ دچار تردید و خواستار رهبری طبقه کارگر شدند. مارکسیست-لنینیست‌های اتحادیه کمونیست‌ها به تبعیت از شکاف جهانی در اردوگاه کمونیست، به جمهوری خلق چین و اندیشه‌های مائو تمایل پیدا کردند و از سمپات‌های تزه‌جهانی مائوتسه دون رهبر چین شدند. (کردی، ۱۳۸۶: ۱۱)

در همین جا باید اشاره شود که کادرهای اتحادیه کمونیست‌های ایران، عضو کنفدراسیون جهانی محصلین و دانشجویان ایرانی در اروپا و آمریکا بودند. این سازمان سیاسی یکی از نادرترین تشکیل‌های سیاسی ایران بود که شهرت جهانی داشت. این تشکیلات در سال ۱۳۳۷-۱۳۳۸ به وسیله عده‌ای از اعضای فراری حزب توده در اروپا و آمریکا تشکیل شد. (نوذری، ۱۳۸۰: ۲۲۵) کنفدراسیون سمبل مبارزه با رژیم شاه بود و مهمترین منبع خبری و نیروی اعمال فشار بر حکومت شاه محسوب می‌شد. (شرکت، ۱۳۷۸: ۱۳)

با پیروزی انقلاب اسلامی و بعد از گذشت چند ماه از استقرار جمهوری اسلامی ایران تقابل نیروهای چپ با نظام سیاسی نوظهور اوج گرفت. با کناره‌گیری بنی‌صدر از ریاست جمهوری و رای مجلس به عدم کفایت او این تعارضات به اوج رسید. رویدادهای هجدهم آبان تا ششم بهمن ۱۳۶۰ در آمل را باید یکی از مصادیق اصلی این تعارضات به شمار آورد. اوج درگیری میان اتحادیه کمونیست‌ها با جمهوری اسلامی از پنجم بهمن ۱۳۶۰ آغاز شد.

ساعت ۲۳:۴۵ دوشنبه شب، مطابق با پنجم بهمن ماه ۱۳۶۰، اعضای ۱۱۰ نفره اتحادیه کمونیست‌های ایران با حضور سه زن در تیم پزشکی گروه، با نام «سربداران جنگل» در پوشش لباس‌های نظامی تحت عنوان عملیات «اسب تروا» با شلیک گلوله آرپی جی هفت در شهر آمل و ایجاد درگیری‌های پراکنده به این شهر حمله نموده و قصد تسخیر آن را داشتند. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۱۳-۱۴) بر اساس ادعاهای مطرح‌شده در بسیاری از منابع موجود در این تهاجم آنان قصد حمله به مقر سپاه، بسیج، دادگاه انقلاب، بستن جاده هراز در مدخل شهر، تصرف محله اسپه کلا و دعوت مردم به قیام را داشتند (همان، ۴۶) که به فرماندهی قرارگاه ابوالفضل (علیه‌السلام) در چالوس و امداد از نیروهای سپاه و بسیج شهرهای بابلسر، محمودآباد، لاریجان و بابل با مقاومت روبرو شد. (همان، ۵۷)

آنطور که منابع رسمی گفته‌اند این درگیری که حدود دو روز به طول انجامید سرانجام با مقاومت نظامیان و مردم که بدون همکاری طاقت‌فرسای آنان امکان‌پذیر نبود منجر به شکست عملیات اتحادیه کمونیست‌ها گردید. مردم آمل و مناطق اطراف به محض اطلاع از حمله به شهر در سنگرسازی، تدارکات، امدادرسانی، شناسایی دشمن و محل استقرار آنان و همکاری‌های اطلاعاتی به یاری نیروهای انقلابی شتافتند حتی مردمی که سلاح نداشتند با وسایلی همچون داس، تیرکمان، سنگ، تفنگ ساچمه‌ای و شکاری به مقابله با مهاجمان پرداختند اقشار مختلف مردم از کوچک و بزرگ، زن و مرد، پیر و جوان و حتی بچه‌های زیر ده سال که با کف دست شن آورده و گونی‌ها را به منظور سنگرسازی پر می‌نمودند نیز در این بحبوحه نبرد به چشم می‌خوردند. (رهگذر، ۱۳۸۵: ۵۸، ۶۳، ۷۱؛ کامران: ۱۳۷۴) و مردم روستاها و شهرهای دور و نزدیک به کمک مردم مقاوم شهر هزار سنگر آمل شتافتند. سرانجام عصر روز چهارشنبه هفتم بهمن ۱۳۶۰ نیروهای مهاجم عقب‌نشینی نموده و پاکسازی شهر آغاز گشت با فرار مهاجمان و باقی ماندن ۲۸ نفر از آنان در جنگل طی روزها و ماه‌های بعد درگیری‌هایی بین آن‌ها و نیروهای انقلابی رخ داد که مهم‌ترین آن‌ها در روز دوازدهم اسفند ماه بود که به منظور بردن اسلحه‌های مخفی شده به جنگل آمدند (رهگذر، ۱۳۸۵: ۷۸-۷۷) آنطور که منابع رسمی جمهوری اسلامی ادعا گفته‌اند این واقعه به شهادت چهل نفر در شهر، بیست نفر در درگیری‌های متفرقه و زخمی شدن نزدیک به دویست نفر از مردم عادی، نیروهای بسیج و نظامی منجر گردید. از نیروهای اتحادیه نیز شصت نفر کشته، زخمی و گروهی اسیر شدند. اعضای دستگیر شده در دادگاه انقلاب محاکمه گردیدند برخی به جرم محاربه، اعدام و عده‌ای به زندان محکوم گردیدند سایر اعضا هم در طول سال و سال‌های آتی شناسایی و دستگیر شدند. (همان، ۸۵-۸۳)

در کنار روایت بالا که از منابع رسمی جمهوری اسلامی ذکر شده در روایتی دیگر که از سوی چپ‌ها و از زبان برخی افراد فعال در این حرکت نقل شده روند امور با ادبیاتی متفاوت و با جایگزین نمودن خیر/شر نقل بالا مطرح شده است. در مقدمه کتاب «پرندۀ نو پرداز» که بخش اصلی‌اش گفتگو با یکی از افراد مارکسیست حاضر در این رخداد بوده می‌خوانیم:

«پنجم بهمن ماه سال ۱۳۶۰: خبر رسید که شب هنگام در شهر آمل نبرد مسلحانه گسترده‌ای آغاز شده، بخش‌های مهمی از شهر آمل توسط قوای سربداران آزاد شده است. هنوز هیچکس از چند و چون ماجرا خبری نداشت. هیجان انقلابی همه جا را فرا گرفته بود. راه‌های ورود و خروج به آمل بسته بود. رژیم تا چند روز از پخش هر خبری در این مورد جلوگیری می‌کرد. هر کس تلاش می‌کرد

بفهمد چه می‌گذرد. آمل یک شبانه روز شاهد درگیری‌های نظامی شدیدی بود. وصف بی‌باکی و قهرمانی سرداران بر زبانها جاری بود. بیم و امید همه را فرا گرفته بود. همه بی‌صبرانه منتظر نتیجه این نبرد دلاورانه بودند. سرانجام رژیم با تمرکز قوای بسیار، این قیام را به شکست کشاند. پس از آن به مدت یک هفته موضوع اصلی تمام روزنامه‌های کشور به وقایع آمل اختصاص داشت. اما هیچکس به اخبار رژیم باور نداشت. «حزب کمونیست ایران، ۱۳۸۳: ۱۳»

۲-۴. بررسی زمینه رویداد

نظر به وجود دو روایت کاملاً متعارض درباره رویداد ششم بهمن آمل که البته می‌توان با پژوهش‌های دقیق‌تر سره را از ناسره تشخیص داد با این حال و بر مبنای منطق هرمنوتیک توجه به زمینه‌های این رویداد می‌تواند کمک شایانی به فهم تشخیص روایت صحیح نماید. بر همین اساس در ادامه و در قالب سه محور «بررسی وضعیت جایگاه حرکت‌های چپ در میان مردم ایران و آمل»، «شرایط جنگی کشور» و «بررسی وضعیت جایگاه انقلاب و شخص آیت الله خمینی در میان مردم استان مازندران و شهر آمل»، به واکاوی زمینه رویداد یاد شده پرداخته‌ایم.

۱-۲-۴. وضعیت جایگاه حرکت‌های چپ در میان مردم ایران و آمل

درباره اقبال یا عدم اقبال مردم مسلمان ایران به حرکت‌های چپ و مارکسیستی در طول تاریخ معاصر ایران روایت‌های مختلفی مطرح شده است. با این حال روایت غالبی که از سوی بسیاری از اندیشمندان و مورخین هم به تائید رسیده است ناظر بر عدم اقبال فراگیر این ایدئولوژی غیرتوحیدی توسط مردم موحد و مسلمان ایران بوده است. در این رابطه قرینه‌های متعددی وجود دارد. یکی از مهمترین قرینه‌ها آن است که هر مجموعه چپ‌گرایی که توسط مردم با اقبال نسبی هم رو به رو می‌شد نتیجه اقبال خود را در پیوند میان مارکسیسم و اسلام می‌دید. به عبارت دیگر به تجربه و با گذر زمان چپ‌ها به تینده شدن دیانت و مذهب توحیدی اسلام در میان ایرانیان پی برده و برخی اوقات برای پیش بردن اهداف خود مجبور به برقراری این پیوند و ایجاد پالایش در آموزه‌ها صلی کمونیسم بودند. البته برخی از جریانات اصیل اسلامی و ملی متمایل به اندیشه‌های چپ هم وجود داشتند که بدون نگرش تاکتیکی به اسلام و از سر دغدغه‌های دینی و ملی این پیوند را برقرار می‌ساختند. این جریانات در تلاش بودند تا با غایت گرفتن روح انقلابی موجود در مارکسیسم عدالت و آزادی را به عنوان کانون‌های اصلی شریعت اسلام محقق نمایند. فعالیت نهضت جنگل توسط میرزا کوچک خان جنگلی در شمال کشور و یا نهضت خدایپرستان سوسیالیست در شمال کشور به رهبری

محمد نخشب تنها دو نمونه از این ادعا است.

برای مثال سران نهضت جنگل پس از ورود به رشت، در ۱۸ رمضان ۱۳۳۸ اعلامیه‌ای به نام «جمعیت انقلاب سرخ ایران» صادر کردند که در آن ضمن اشاره به ورود نهضت با «استعانت اصول حقه سوسیالیستی برای نجات ایرانی» به مرحله انقلاب سرخ، اصول سلطنت را ملغا و حکومت موقت جمهوری را اعلام و بر حفظ شعائر اسلامی تأکید ورزیدند. (میرزاصالح، ۱۳۶۹: ۳؛ یقیکیان، ۱۳۶۳: ۷۷-۸۶؛ گیلگ، ۱۳۷۱: ۲۷۵)

نهضت خدایپرستان سوسیالیست که متمایل به نوسازی و سوسیالیسم بود در تلاش بود تا با تلفیق نگرش اسلامی موردنظر رهبران آن با اندیشه‌های مدرن چپ و ملی‌گرایی همزمان اصلاحاتی در اسلام و مارکسیسم ایجاد نماید. محمد نخشب و جلال‌الدین آشتیانی به عنوان دو چهره اصلی این جریان بر این نظر بودند که باید سوسیالیسم را از قید ماتریالیسم و خدایپرستی را از قید خرافات آزاد کرد. (تربتی سنجابی، ۱۳۷۵: ۲۲۱) زمان تشکیل این نهضت نیز پس از ایام ملت‌هت شهر یور ۱۳۲۰ بود. موسسین این نهضت بر عدالت و برابری (سوسیالیسم) و تمایلات قوی مذهبی و ملی تشکیل شد. برخی بر این نظرند آنها با پذیرش تمام اصول اسلامی به دنبال برقراری نوعی از حکومت اسلامی بوده‌اند. (نکوروح، ۱۳۷۷: ۲۳۴)

البته در همین جا باید اشاره شود که در مجموع اگرچه نفوذ جریانات چپ به دلایل متعددی چون همجواری جغرافیایی یا محرومیت اجتماعی مردم در مناطق شمالی کشور از باقی مناطق کشور بیشتر بود با این حال قرینه‌های متعدد موجود حکایت از آن دارد که در همان مناطق شمالی و به طور خاص در مازندران این جریانات به شدت در میان مردم دافعه داشتند. بر همین مبنا می‌توان ادعا کرد که در رویداد ششم بهمن آمل سال ۱۳۶۰ مردم بیش از آنکه حامی نیروهای چپ بوده باشند از نیروهای دولتی طرفداری کرده‌اند.

۲-۲-۴. شرایط جنگی کشور

یکی دیگر از زمینه‌های بسیار مهم در فهم رویداد ششم بهمن آمل شرایط خاص جنگی کشور است. ابرمتغیری که تمام مناطق کشور و اقشار گوناگون مردم جامعه ایران را با خود درگیر کرده بود. جنگ عراق با ایران که کمتر از دو سال بعد از پیروزی انقلاب اسلامی آغاز شد حمایت اقشار مختلف مردم از آرمانهای انقلاب اسلامی و رهنمودهای امام خمینی را تشدید کرد. در این میان و بر اساس آمار موجود استان مازندران و شهر آمل جایگاه ویژه‌ای داشته است. تنها به عنوان یک نمونه

می‌توان به لشکر ۲۵ کربلای استان مازندران اشاره کرد که از قضا در همان میانه سال ۱۳۶۰ تأسیس می‌شود. غیر از این مورد نباید از تعداد بالای شهدای دفاع مقدس استان مازندران و شهر آمل غفلت شود. موضوعی که خود نشان از همراهی این استان و شهر با انقلاب اسلامی دارد. آنطور که برخی منابع رسمی نظیر بنیاد حفظ آثار و نشر ارزش‌های دفاع مقدس ادعا کرده‌اند مازندرانی‌ها حضوری برجسته در جنگ تحمیلی هشت ساله داشتند. حدود ۱۶۸ هزار نفر از مازندران برای دفاع از وطن راهی مناطق جنگی شدند که ۱۰ هزار و ۴۰۰ رزمنده به شهادت رسیدند و ۳۴ هزار نفر نیز جانباز شدند. (ایرنا، ۱۴۰۰) وجود چنین زمینه‌ای حکایت از آن دارد که در رویداد ششم بهمن آمل احتمال همکاری و همراهی مردم این شهر با نیروهای کمونیست بیشتر از همراهی آنها با نیروهای دولتی جمهوری اسلامی نبوده است.

۳-۲-۴. جایگاه انقلاب و شخص آیت‌الله خمینی در میان مردم شهر آمل

استان مازندران و شهر آمل در زمره استانهای فعال در نهضت انقلابی مردم ایران به شمار می‌آیند. آنطور که منابع تاریخی ادعا کرده‌اند مردم این استان در دوران قبل و بعد از انقلاب اسلامی تبعیت قابل توجهی از رهبر انقلاب اسلامی و بنیانگذار جمهوری اسلامی داشته‌اند. ادعایی که یکی از دلایل آن در بخش قبل و تشکیل لشکر ۲۵ کربلای استان مازندران بدان اشاره شد. در این میان فعالیت‌های مردم شهر آمل چه در دوران قبل از انقلاب و چه در دوران بعد از آن از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. شهری که به دلیل حضور برخی از روحانیون با نفوذ در بین مردم، نقش مهمی در مبارزات دوران انقلاب اسلامی داشته است. این شهر در دوران بعد از اسلام از نوعی مرکزیت سیاسی و پیشینه تاریخی و مذهبی برخوردار بوده است. باید توجه شود که بعد از ورود اسلام به ایران اولین حکومت شیعی و علوی و بعدها سلسله سادات مرعشی در این شهر تأسیس گردید. به دلیل وجود حوزه علمیه پویا در این شهر همواره ارتباط تنگاتنگی بین مردم علوی و مذهبی این شهرستان با علما و روحانیون در طول دوران بعد از اسلام و تاریخ معاصر به چشم می‌خورد. با این سابقه بود که نقش این شهر در حمایت از انقلاب اسلامی چشمگیر و برجسته بوده است. (عزیزی، ۱۳۹۶: ۲۹۷-۲۹۸)

در تاریخ ۱۶ بهمن ۱۳۵۷ کلیه مغازه‌ها و بازارهای شهر آمل به عنوان اعتراض تعطیل شد و در روزهای ۲۱ و ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ هم درگیری شدیدی میان انقلابیون این شهر با نیروهای حکومتی در گرفت. (عزیزی، ۱۳۹۶: ۳۱۸؛ فوران، ۱۳۹۲: ۵۶۶) مردم این شهر در طول دوران انقلاب فعالیت‌ها و

خدمات مؤثری به انقلاب اسلامی ایفا کردند؛ به طوری که در ماه‌های منتهی به انقلاب اسلامی شهر آمل اولین شهری بود که از یک حکومت مردمی برای اداره شهر برخوردار شد. (عزیزی، ۱۳۹۶: ۲۹۷-۲۹۸) اقدامی که بدون تردید نشان از وجود اقبال مردمی قابل توجه این شهر به انقلاب اسلامی و امام خمینی دارد. پُر واضح است که انجام چنین اقداماتی از وجود ظرفیت‌های مادی و معنوی انقلابی مناسب حکایت دارد. ظرفیت‌هایی که باعث شده بود مردم این شهر در آن روزهای پُر مخاطره حتی آمادگی جانفشانی برای آرمانهای انقلاب اسلامی را داشته باشند.

نتیجه‌گیری

جامعه ایران در ادوار مختلف عصر معاصر و به طور خاص در سال‌های پس از انقلاب اسلامی شاهد وقوع رویدادهای متعددی بوده که به دلیل ویژگی‌های خاص جامعه ایرانی در این مقطع زمانی این رخدادها با توصیفات متکثری مواجه شده است. تکثری که فهم و ادراک این پدیده‌های تاریخی-اجتماعی را با پیچیدگی مواجه ساخته است. همین پیچیدگی جنبه‌های نسبی و سیال بودن معرفت تاریخی را هویدا ساخته است. ویژگی خاصی که بهره‌مندی از آموزه‌هایی نظیر هرمنوتیک را مورد تأکید قرار می‌دهد. نکته دارای اهمیت آنکه به‌رغم گذشت چندین دهه از کاربرد این مفهوم، بهره‌گیری از آن در ادراک مسائل و موضوعات مرتبط با جامعه معاصر ایران بسیار نادر بوده است.

واقعه ششم بهمن ۱۳۶۰ آمل را باید یکی از مصادیق این امر به شمار آورد. رویدادی که به دلایل گوناگون نقشی مهم در تاریخ معاصر و انقلاب ایران ایفا نموده است. این رویداد مهم از همان آغاز در قالب روایت‌هایی متفاوت و گاه متعارضی توصیف شده است. در یک روایت که عمدتاً روایتی رسمی است و توسط جمهوری اسلامی مطرح می‌شود این رویداد به مثابه یک حماسه ملی و انقلابی برشمرده شده است. حماسه‌ای که بیش از هر چیز توسط نیروهای مردمی انقلابی و برای تقابل با نیروهای ضدانقلاب به وقوع پیوست. در روایت دوم که عمدتاً توسط نیروهای چپ و مارکسیست و نهادهایی چون حزب کمونیست ایران منتشر شده کلیت این رویداد به مثابه قیام و خیزشی مردمی برای تقابل با حکومت نوظهور جمهوری اسلامی ایران تلقی شده است. بر اساس این روایت آغاز و تداوم این حرکت که از روزهای آبان ۱۳۶۰ خورشیدی اوج گرفت حرکتی تماماً مردمی بوده که نهایتاً در ششم بهمن ۱۳۶۰ توسط نیروهای رسمی دولت جمهوری اسلامی سرکوب شده است.

با توجه به اینکه درباره چیستی این رویداد این دو روایت بیشتر از سایرین مطرح شده در این مقاله تلاش شد تا با استفاده از آموزه‌های هرمنوتیک، چیستی این رویداد تاریخی واکاویده شود. بر اساس یافته‌های این پژوهش اگرچه در روایت متن رویداد هر کدام از منابع تلاش کرده‌اند تا پندارهای خود را توصیف نمایند و بر همین اساس امکان راستی‌آزمایی این روایت‌ها بر اساس متن رُخداد یادشده چندان وجود نداشت، اما توجه به زمینه‌های این رویداد احتمال صحت روایت اول را تقویت کرد. برای تبیین این موضوع سه محور «وضعیت جایگاه حرکت‌های چپ در میان مردم ایران و آمل»، «شرایط جنگی کشور» و «جایگاه انقلاب و شخص آیت الله خمینی در میان مردم استان مازندران و شهر آمل»، مورد بررسی قرار گرفت و نتیجتاً شواهد موجود نشان داد که روایت حماسه-گونه از این رویداد نسبت نزدیک‌تری با حقیقت ماجرا دارد.

منابع

- احمدی، بابک (۱۴۰۰). ساختار و تاویل متن، تهران: نشر مرکز
- ایرنا (۱۴۰۰). مازندران در دفاع مقدس از نگاه آمار، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران: ima.ir/xjG4Y4
- تربتی سنجابی، محمود (۱۳۷۵). قربانیان باور و احزاب سیاسی ایران، تهران: آسیا.
- جعفری، علی اکبر (۱۳۹۱). مبانی نظری مهاجمان جنگل و تسخیر منطقه ژئوپلیتیک آمل، مجموعه مقالات همایش ملی جبهه سوم
- حریری، محمد (۱۳۷۵). هرمنوتیک انتقادی، روزنامه همشهری، ۲۳ / ۱۲ / ۱۳۷۵، ۶.
- رضوی، سیدابوالفضل (۱۳۸۹). هرمنوتیک و فهم معرفت تاریخی، اندیشه دینی، ۱۰ (۳۷)، ۱۰۳-۱۴۶.
- رفیع، حسین، اسفندیار، شهرام (۱۳۹۱). بررسی ماهیت و عملکرد اتحادیه کمونیست های ایران و واقعه ششم بهمن سال ۱۳۶۰ آمل، مجموعه مقالات همایش ملی جبهه سوم.
- رهگذر، سیمین (۱۳۸۵). شهر هزار سنگر (روایتی از مقاومت تاریخی مردم شهر آمل)، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۰). دایره المعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- سعیدی پور، محمود (۱۳۶۰). فرهنگ فارسی خرد، تهران: انتشارات خرد.
- شرکت، حمید (۱۳۷۸). کنفدراسیون جهانی، تهران: انتشارات عطایی.
- عزیزی، امین (۱۳۹۳). از شورش تا واکنش؛ واقعه ۶ بهمن ۱۳۶۰ آمل به روایتی دیگر، مطالعات تاریخی، ۱۲ (۴۵)، ۲۵۴-۲۳۵.
- عزیزی، امین (۱۳۹۸). بررسی مواضع اتحادیه کمونیست های ایران؛ قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، مطالعات تاریخی، ۱۷ (۶۶)، ۱۰۹-۹۲.
- عزیزی، امین (۱۳۹۶). آمل در نهضت و انقلاب اسلامی، پانزده خرداد، ۱۵ (۵۴)، ۲۹۷-۳۱۹
- فوران، جان (۱۳۹۲). مقاومت شکننده، ترجمه تدین، تهران: رسا

- قنبری، آیت (۱۳۷۷). هرمنوتیک و انواع آن، علوم سیاسی، ۱(۲)، ۲۰۷-۱۸۴.
- کوزنز هوی، دیوید (۱۳۷۱). حلقه انتقادی، ترجمه مراد فرهادپور، تهران: گیل با همکاری انتشارات روشنگران گیلک، محمدعلی (۱۳۷۱). تاریخ انقلاب جنگل، ج ۱، رشت: گیلکان.
- مجتهد شبستری، محمد (۱۳۷۵). هرمنوتیک، کتاب و سنت، تهران: طرح نو.
- میرزا صالح، غلامحسین (۱۳۶۹). جنبش میرزا کوچک خان بنا بر گزارش‌های سفارت انگلیس در تهران، گردآورنده و مترجم میرزا صالح، ج ۱، تهران: نشر تاریخ ایران.
- میزانی، فرج‌الله (۱۳۹۵). مائوئیسم و بازتاب آن در ایران، تهران: فردوس.
- نکوروح، محمد (۱۳۷۷). نهضت خدایپرستان سوسیالیست، تهران: چاپخش.
- نوذری، عزت‌الله (۱۳۸۰). تاریخ احزاب سیاسی در ایران، شیراز: انتشارات نوید.
- یقیکیان، گریگور (۱۳۶۳). شوروی و جنبش جنگل، ج ۱، به کوشش برزویه دهگان، تهران: اختران.